

تبیین بایدها و نبایدهای اخلاق نظامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری معین ضابطی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: نظامیان نماد عزت، ایستادگی و امنیت کشورند. جایگاه برجسته و عزتمند تشکیلات نظامی ایجاب می‌کند که از هر نظر، سالم، پویا و مطمئن باشد؛ نقاط قوت خویش را حفظ و تقویت کند و نقاط ضعف را تضعیف و ریشه کن نماید و همان‌گونه که از استقلال و امنیت کشور دفاع می‌کند از سلامت و انسجام خود نیز حفاظت نماید، چنین رسالتی، ابعاد گوناگونی دارد که یکی از آنها مراعات اخلاق اسلامی از سوی نظامیان در جامعه و درون تشکیلات است.

روش: این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف یافتن جایگاه اخلاق نظامی در اسلام به کنکاش پرداخته و نتیجه می‌گیرد شاخصه‌های اخلاق نظامی در اسلام تبیین و مورد تاکید قرار گرفته است.

نتایج: شناخت فضایل اخلاق نظامی و عمل به آنها دارای اهمیت و ضرورت تغیر قابل انکاری است؛ با مراجعه به متون دینی به ضرورت شناخت اخلاق و آرایش به فضایل و پیرایش از رذایل بیشتر پی می‌بریم. در آیات و روایات متعددی یکی از مهم‌ترین اهداف نزول قرآن و بعثت پیامبران تزکیه نفس بر شمرده شده است خداوند متعال پس از سوگندهای فراوان، پاکسازی درون را سبب رستگاری انسان‌ها بر می‌شمارد و پیامبر نیز غایت و نتیجه دعوت خویش را اکمال مکارم اخلاق بیان نموده است.

واژگان کلیدی: اخلاق نظامی -بایدهای اخلاقی-نبایدهای اخلاقی-اخلاق اسلامی.

^۱ - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور صندوق پستی: ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵ ایران- تهران، ۰۹۱۳۳۴۷۹۱۸۷

مقدمه

در هر شرایطی، کسب و احراز همه «فضایل اخلاقی» برای انسان لازم است و پرهیز از همه «رذایل اخلاقی» مورد توصیه و تأکید است. لکن احراز پاره‌ای فضایل، در ارتباط و موقعیتی خاص، لازم‌تر، و پرهیز از پاره‌ای زشتی‌ها و رذایل، در آن ارتباطات، ضروری‌ترند. اگر چه «انسان بودن» نیامند داشتن فضایل اخلاقی و ترک همه رذایل اخلاقی است، ولی هر شغلی عنایب بیشتر به پاره ملکات نفسانی را می‌طلبد. یکی از این حوزه‌ها اخلاق نظامی است که نه تنها به فضای اجتماعی و شغلی مربوط می‌شود بلکه حتی با امنیت یک کشور ارتباط پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد التزام به احکام اسلامی و برخورداری از اخلاق اسلامی بویژه اخلاق صنفی - که مربوط به حیطه کاری افراد می‌شود - برای نیروهای نظامی لازم و تنها راه‌هایی از محرّمات است. از این رو، نیروهای نظامی بایستی با شناخت مشکلات شرعی و اخلاقی و با تمسک به قرآن و رهنمودهای معصومین (ع)، احکام حکومتی و فرامین مقام معظم رهبری، شیوه‌های صحیح برخورد با مسائل نظامی را فرا گرفته و از بروز آسیب‌های احتمالی جلوگیری کنند. پژوهش حاضر تلاش دارد بایسته‌ها و نبایسته‌های اخلاق نظامی را از دیدگاه دین مبین اسلام بررسی کند. در مقاله حاضر، ضمن بررسی مفهومی اخلاق بحث اخلاق نظامی در رویکرد اسلامی تشریح می‌شود. سپس بایدها و نبایدهای اخلاق نظامی مورد تبیین و بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه و مبانی نظری

اخلاق: اخلاق در لغت: اخلاق در اصل، واژه‌های عربی است که مفرد آن «خُلُق» و «خُلُق» می‌باشد. در لغت به معنای سرشت و سنجیه به کار رفته است؛ اعم از اینکه سنجیه و سرشتی نیکو و پسندیده باشد مانند جوانمردی و دلیری، یا زشت و ناپسند باشد مثل فرومایگی و بزدلی. لغت شناسان عموماً آن را با واژه «خَلَق» هم‌ریشه دانسته‌اند. و به گفته

راغب در کتاب مفردات، نیز این دو واژه در اصل به یک ریشه باز می‌گردد، خَلْق به معنی هیئت و شکل و صورتی است که انسان باچشم می‌بیند و خُلُق به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود. (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ۷۶)

اخلاق در اصطلاح: دانشمندان علم اخلاق برای اخلاق معانی متعددی ارائه نمودند: الف. برخی آن را ملکه‌ای نفسانی دانسته‌اند که مقتضی صدور کارها از انسان بدون نیاز به فکر و اندیشه است. رایج‌ترین و شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در بین اندیشمندان و فیلسوفان اسلامی، عبارت است از صفات و هیئت‌های پایدار در نفس که موجب صدور افعالی متناسب با آن‌ها به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان می‌شوند. شیخ ابوعلی مسکویه در تعریف اخلاق می‌گوید: اخلاق حالتی نفسانی است که بدون نیاز به تفکر و تأمل، آدمی را به سمت انجام کار حرکت می‌دهد. (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۹۹).

علامه مجلسی نیز در تعریف اخلاق می‌گوید: اخلاق ملکه‌ای نفسانی است که کار به آسانی از آن صادر می‌شود. و پاره‌ای از آن‌ها نیز با تفکر و تلاش و تمرین و عادت دادن نفس به آن‌ها، به دست می‌آیند...؛ چنانکه بنخیل در ابتدا با سختی و جان‌کندن چیزی را می‌بخشد، اما در اثر تکرار، بخشش به صورت خوی و عادت او در می‌آید (ابن مسکویه، ۱۳۷۵: ۱۸۷). همین معنی را مرحوم فیض کاشانی در کتاب «حقایق» آورده است، آنجا که می‌گوید: «بدان که خوی عبارت است از هیئتی استوار با نفس که افعال به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از آن صادر می‌شود». (ابی فراسف، ۱۴۱۰: ۱۵۲).

ب. برخی نیز اخلاق را تنها بر فضایل اخلاقی اطلاق می‌کنند و آن را در مقابل ضد اخلاق به کار می‌برند. (بدوی، ۱۹۷۵: ۴۱۰).

ج. و گاهی نیز به معنای نهاد اخلاقی زندگی به کار می‌رود. (تمیمی امدی، ۱۴۱۰: ۵۴۰).

د. گروهی نیز اخلاق را مسیر رشد می‌دانند. از نگاه علامه محمد تقی جعفری، «اخلاق

شکفتن شخصیت آدمی در مسیر حیات معقول است» (جوادی املی، ۱۳۷۸: ۸۷).

استاد مطهری در تعریف مفهوم اخلاق معتقد است اخلاق، خود نوعی تربیت شمرده می‌شود و به معنای کسب خلق و حالت و عادت است (جعفری تبریزی، ۱۳۷۸: ۵۹). معنا از اخلاق در اندیشه مطهری گرچه نسبتی با مفهوم تربیت می‌یابد، اما با آن متفاوت است. در مفهوم تربیت، برخلاف مفهوم اخلاق، پرورش و ساختن نهفته است. از این منظر فرقی نمی‌کند که تربیت چگونه و برای چه هدفی و در راه کدام هدف، خیر یا شر انجام گیرد. در مفهوم تربیت، هیچ قداستی نهفته نیست که گفته شود اگر انسان را به نحو خاص پرورش دهند، خصایص مافوق حیوان پیدا می‌کند، بلکه تربیت یک جنایتکار هم تربیت شمرده می‌شود و این اصطلاح حتی بر تربیت و پرورش حیوانات نیز اطلاق می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵۴). بنابراین معانی اصطلاحی متفاوتی برای اخلاق بیان شده است که جمع دقیق آن ممکن نیست، اما می‌توان اخلاق را در اصطلاح دانشمندان اسلامی، به گونه‌ای جمع بندی کرد که نسبتاً جامع بین آن‌ها باشد و آن عبارت است از:

«اخلاق، کیفیتی برای نفس آدمی است که رفتارهایی متناسب با آن از انسان بروز می‌کند؛ یعنی اگر کیفیت نفس خوب باشد، کارهای خوب و اگر بد باشد کارهای بد صورت می‌گیرد؛ پس اخلاق به اخلاق حسنه، خوب، اخلاق رذیله و بد تقسیم می‌شود. این کیفیت نفسانی ممکن است به صورت غیر راسخ و یا به شکل ملکه در آید.» (خرمشاهی، ۱۳۸۳: ۲۵۹).

جایگاه اخلاق در اسلام

مسئله اخلاق و تهذیب نفس، در اسلام، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، بطوری که از اهداف نزول قرآن کریم تربیت اخلاقی، تهذیب انسان و رشد و هدایت جامعه است و خصلت‌های اخلاقی را ملاک ارزش انسان می‌داند؛ زیرا در مقام ستایش و تمجید پیامبران

الهی، آنان را به جهت دارا بودن صفات اخلاقی نیکو می‌ستاید. برای مثال، حضرت ابراهیم علیه‌السلام را به خاطر برخورداری از سه صفت عالی اخلاقی ستوده، می‌فرماید:

«إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ» (هود، آیه ۷۵)

همانا ابراهیم بردبار، بسیار مهربان و بازگشت کننده (به سوی خدا) بود.

درباره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، آیه ۴)

همانا تو صاحب اخلاق عظیم و برجسته‌ای هستی.

در اهمیت اخلاق و تزکیه نفس همین بس که قرآن کریم رمز موفقیت رسول خدا (ص) را در ایفای رسالت خویش و گسترش توحید، اخلاق نیکوی آن حضرت می‌داند و می‌فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران، آیه ۱۵۹)

در پرتو رحمت الهی، تو با مردم مهربان شدی، در حالی که اگر خشن، تندخو و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

با دقت در روایات اسلامی و زندگانی معصومین علیهم‌السلام به خوبی در می‌یابیم که تمام شؤون زندگی آن بزرگواران، مظهر تجلی صفات اخلاقی و خصلت‌های ارزنده انسانی بوده و به تمام معنا اخلاق الهی را در وجودشان به کمال رساندند و پرچمدار تقوا، فضایل و اخلاق پسندیده انسانی شدند.

با توجه به اینکه انسان موجودی با اراده و مختار است، باید آگاهانه و آزادانه در پی اجرای دستورات الهی قیام کند و این گونه حرکت، با وضع قوانین خشک و اعمال قدرت تحقق نمی‌یابد، بلکه باید انگیزه لازم در انسان پدید آید تا انسان بدون احساس فشار و تنگنا در این راستا قیام کند و این انگیزه را ایمان و اخلاق پدید می‌آورد و قوت می‌بخشد و قوانین

الهی در کنار ارزش‌های اخلاقی قابل اجراء می‌گردد. بنابراین ارزش‌های اخلاقی نگهبان دین و ضامن اجرای قوانین خواهند بود.

بعلاوه، رشد و تکامل دینی بشر نباید در حدّ اجرای قوانین الهی متبلور در واجب و حرام متوقف شود، از این رو، تکامل دینی بیشتر، نیازمند ارزش‌هایی فراتر از حد ضرورت شریعت است و آن ارزش‌ها در اخلاق نمودار می‌گردد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«الْأَخْلَاقُ وَعَاءُ الدِّينِ» (مجلسی، ۱۳۸۹: ۱۳۷)

اخلاق ظرف دین است.

یعنی دین در ظرف اخلاق پدید می‌آید، رشد می‌کند و باقی می‌ماند) و حتی بعضی از احادیث، داشتن فضایل انسانی و اخلاق نیکو را، مساوی با تمام دین یا نصف دین دانسته و از ریشه دار بودن آن در دین و تعالیم دینی پرده بر می‌دارد، بگونه‌ای که آن را از بخشش‌های الهی می‌شمارد. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«الْأَخْلَاقُ مَنَائِحُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (مجلسی، ۱۳۸۹: ۳۹۴)

اخلاق، بخشش‌هایی از خداوند بزرگ است...

ارزش‌های اخلاقی، صرف نظر از جنبه مذهبی از ضروریات زندگی یک جامعه سعادت‌مند است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«لَوْ كُنَّا لَا تَرْجُوا جَنَّةً وَلَا نَخْشَى نَاراً وَلَا ثَوَاباً وَلَا عِقَاباً لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نُطَالِبَ بِمَكْرَمِ

الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ» (العینائی، ۱۴۱۵: ۲۶)

اگر به بهشت و ثواب (آخرت) امیدوار نباشیم و از آتش و عذاب (جهنم) نهراسیم، باز هم شایسته است که فضیلت‌های اخلاقی را طلب کنیم؛ زیرا فضایل اخلاقی، از چیزهایی است که مارا به راه رستگاری هدایت می‌کند.

با نگاهی به زندگی اولیای گرامی اسلام و تأمل در سخنان گهربار آنان، به اهمیت اخلاق نیک و تزکیه نفس، بیشتر پی برده، گستردگی مسائل اخلاقی را نه تنها در گفتار، بلکه در تمام شئون فردی و اجتماعی آنان مشاهده می‌کنیم. تمام وجودشان را سجایای اخلاقی و خصلت‌های نیک فرا گرفته است. آنان اخلاق الهی را به تمام معنا در وجود خود به کمال رسانده و مظهر تجلی «اخلاق الله» و «آداب الله» گشته‌اند. آنان برای رسیدن به مقامات بالاتر اخلاقی، از درگاه خدا، استمداد می‌کردند. چنانکه پیامبر اکرم (ص) از خدا می‌خواست:

«اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِحَسَنِ الْإِخْلَاقِ ...» (فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۹۲)

خداوندا! به نیکوترین اخلاق هدایت من کن ...

«اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي» (مَحْجَةُ الْبَيْضَا، همان)

خداوندا! همان گونه که مرا نیکو آفریدی، خلق مرا (نیز) نیکو گردان.

اولیای گرامی اسلام برای پیروان خود، نقش و ارزش اخلاق را در دین یادآور شده، آنان را به اخلاق نیکو تشویق می‌کردند.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«الْإِسْلَامُ حُسْنُ الْخُلُقِ» (ری شهری، ۱۳۸۹: ۱۳۷)

اسلام خوش خلقی است.

در جای دیگر می‌فرماید:

«تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ» (آملی، ۱۳۸۲: ۱۱۶)

خودتان را به اخلاق الهی بیارید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنْ اجْتَلَتْ فِي عُمْرِكَ يَوْمَيْنِ فَاجْعَلْ أَحَدَهُمَا لِإِدْبِكَ لِتَسْتَعِينَ بِهِ عَلَى يَوْمِ مَوْتِكَ» (فروع

کافی، ۱۵۰)

اگر درعمرت دو روز مهلت یافتی، یک روزش را به فراگرفتن ادب و تربیت اختصاص بده تا روز مرگت، از آن کمک بگیری.

اخلاق نظامی

حال اگر بگوییم که سخاوت، بیشتر از آن ثروتمندان است، سخن به گزاف نگفته‌ایم در عین این که آن را از فقیران نیز سلب نکرده‌ایم. همچنین اگر بگوییم حلم، صفت دانشمندان است، عفت و پاکدامنی، زینده زنان است، منظور این است که چنین صفتی در عین فراگیری، برای چنین صنفی، ضروری‌تر و زینده‌تر است. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرموده‌اند::

«الْعَدْلُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْأَمْرَاءِ أَحْسَنُ، السَّخَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْأَغْنِيَاءِ أَحْسَنُ الْوَرَعُ حَسَنٌ
وَلَكِنَّ فِي الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ، الصَّبْرُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي الْفُقَرَاءِ أَحْسَنُ التَّوْبَةُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي
الشَّبَابِ أَحْسَنُ، الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنَّ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ.» (نهج الفصاحه: ۲۰۶)

دادگری [برای همه کس] نیکوست، ولی برای حاکمان نیکوتر است. سخاوت نیکوست، ولی برای ثروتمندان نیکوتر است. ورع نیکوست، ولی برای عالمان نیکوتر است. بردباری نیکوست، ولی برای فقیران نیکوتر است. توبه نیکوست، ولی برای جوانان نیکوتر است، و حیا نیکوست ولی برای زنان نیکوتر است.

امیرمؤمنان - صلوات الله علیه - نیز می‌فرماید:

«زِينَةُ الشَّرِيفِ التَّوَّاضُعُ» (مجلسی، ۱۳۸۹: ۱۲۰)

فروتنی، برای انسان شریف، زینت است.

از این دو حدیث شریف استفاده می‌شود که برخی از فضایل اخلاقی، برای صنف و گروهی از مردم، ضروری‌تر است؛ چنانکه از مفهوم آن نیز می‌توان دریافت که دوری جستن از برخی رذایل، برای بعضی افراد ضروری‌تر است.

با توجه به آنچه یاد شد، نتیجه می‌گیریم که مراد از «اخلاق نظامی»، آن دسته از فضایل اخلاقی است که برای نظامیان، ضرورتی بیشتر دارد و هر کس که در این صنف قرار دارد، بایستی به آن آراسته گردد. همچنین عبارت است از دوری از برخی رذایل، که پیراستگی از آنها برای نظامیان ارجحیت دارد.

ضرورت اخلاق نظامی

با توجه به مکتبی بودن نیروهای نظامی، که اساس آن بر ایمان و تقوا نهاده شده، باید گفت که تخلّق به اخلاق نیکو، از ضروریات و لوازم این تشکیلات است؛ چرا که به تعبیر قرآن:

«الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (نساء، آیه ۷۴)

کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا می‌جنگند.

چون کسی مؤمن و مجاهد در راه خدا باشد، ناگزیر باید اخلاق در رفتارش، صبغه ایمان و رنگ خدایی داشته باشد؛ زیرا میان ایمان به خدا و سجایای اخلاقی، پیوندی ناگسستنی است و بخشی از ایمان را اخلاق نیکو تشکیل می‌دهد و با نبود یا کمبود آن، ایمان کامل نخواهد بود.

از سوی دیگر، به تعبیر امیرمؤمنان علیه السلام، نظامیان زینت حاکم اسلامی و مظهر عزت و اقتدار اسلامند که بسان دژی نفوذناپذیر، ضمن حفظ امنیت کشور، به ملک و ملت، قوام می‌بخشند و جز با وجود آنان، حکومتی پایدار نخواهد ماند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

چنین جایگاه ارزشمندی می‌طلبد که نظامیان همواره از زشتی‌های اخلاقی به دور باشند و همه کارها و حالاتشان، مزین به صفات نیکو باشد.

دیگر آن که ویژگی‌های اخلاقی در حرفه نظامی‌گری دارای تأثیر بسیار است که اگر آن ویژگی‌ها نیک و زیبا باشد، عملکرد فرد را پسندیده و حتی مقدّس می‌سازد، و اگر

نکوهیده باشد، عملکرد او را ناپسند و زشت می‌کند؛ به عنوان مثال امیرمؤمنان- صلوات الله علیه- سردار فاتحی است که حدود یک چهارم عمر خویش را در راه خدا جهاد کرده است، ولی هرگز دست به جنایت جنگی نزده و حتی در جنگ اندکی هم نلغزیده است و عملکرد نظامی او همواره تحت الشعاع اخلاق نیکوی او قرار داشته و چنین امتیازی، حتی دشمنان او را نیز به شگفت در آورده است.

در جنگ احزاب، آن حضرت، قهرمان نامی عرب- عمرو بن عبدود- را به قتل رسانید، ولی لباس، زره و لوازم انفرادی او را تصاحب نکرد با این که چنین کاری در آن زمان رسم رایج بود. شخصی به امام گفت: «چرا زره مقتول خویش را برنداستی که ارزش آن سه هزار درهم است؟» فرمود: «حیا مانع چنین کاری شد». پس از ساعتی که خواهر عمرو بر جنازه برادر حاضر شد، هیچ ابراز ناراحتی نکرد و گفت: «قاتل برادرم، انسانی بزرگوار بوده است!» (مجلسی، ۱۳۸۹: ۷۲). به عکس، وجود رذایل اخلاقی در افراد نظامی، سبب فاجعه و جنایت می‌گردد و باید گفت که بیشترین جنایت‌هایی که در جنگ‌های بشری رخ داده، ریشه در ویژگی‌های زشت نظامیان و فرماندهانشان داشته است؛ به عنوان مثال نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله افرادی را در اختیار خالد بن ولید قرار داد و به او مأموریت داد تا به قبیله «جدیمه بن عامر» برود و زکات اموالشان را گرد آورد. این قبیله، پیش از اسلام با قبیله خالد، در حال نزاع و درگیری بود که عموی خالد نیز در این میان به قتل رسیده بود. به محض رو به رو شدن خالد با افراد قبیله جدیمه، عداوت و کینه توزی او نسبت به جدیمه سبب شد تا دستور کشتار و غارت قبیله را صادر کند و انسانیت و مأموریت را زیر پا گذارد و به جای انجام دستور پیامبر صلی الله علیه و آله مرتکب جنایت شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله با شنیدن خبر این جنایت هول‌انگیز، گریست و فرمود: «خدایا من از عمل خالد در پیشگاه تو بیزاری می‌جویم.» سپس به امیرمؤمنان-

صلوات الله علیه - مأموریت داد تا به قبیله جزیمه رفته، خسارت‌های جانی و مالی آنان را جبران کند. (مجلسی، ۱۳۸۹: ۷۲).

معاویه پس از تسلط بر خلافت، «بسر بن ارطأة» را به حجاز فرستاد تا شیعیان علی علیه السلام را قلع و قمع کند. او بنا به دستور معاویه عمل کرد. چون به مکه رسید، والی وقت، عبیدالله بن عباس، را که از زمان امیرمؤمنان علیه السلام به این مقام منصوب شده بود، نیافت و دستور داد تا دو کودک خردسال عبیدالله او را سر ببرند. (مجلسی ۱۳۸۹: ۱۲۸).

فاجعه‌هایی چون بمب باران هیروشیما و ناکازاکی و کشتار صور و صیدا، صبرا و شتیلا، حلبچه، بوسنی و ... همه نشان دهنده تأثیر سوء رذایل اخلاقی در حرفه نظامی‌گری است. پس، فضایل و رذایل اخلاقی تأثیری مستقیم در حرفه نظامی‌گری دارد و نظامیان علاوه بر متخلّق بودن به عموم فضایل و دوری از همه رذایل، باید نسبت به فضایل و رذایلی که ارتباط بیشتری با حرفه آنان دارد حسّاستر باشند، به خوبی‌های اخلاقی بیشتر پایبند گردند و از زشتی‌های آن، بیشتر دوری گزینند.

تأکید اسلام بر اخلاق نظامی

آیات و روایات متعدّد و سیره رهبران اسلام به صراحت بر لزوم وجود اخلاق حسنه در نظامیان تأکید می‌کند. چنان که در بیشتر آیاتی که دستور و آداب جهاد مطرح شده، قید «فی سبیل الله» به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که چنین برداشت می‌شود جهاد بدون این ویژگی نمی‌تواند اسلامی و مشروع باشد. مفهوم این «قید»، چیزی جز اخلاص نیت نیست که آن یک ویژگی اخلاقی است.

تهی بودن از روحیه تجاوز و کشورگشایی و کشتار بی هدف نیز از اصول جهاد اسلامی است که حتی در حق خونخوارترین دشمنان اسلام نیز باید مراعات شود؛ چنانکه در قرآن مجید می‌خوانیم:

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره آیه ۱۹۰)
و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد.

و در آیه‌ای دیگر بر پایمردی و یاد خدا- که دو مقوله اخلاقی اند- تأکید کرده، می‌فرماید:
«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (انفال، آیه ۴۵)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که [در میدان نبرد] با گروهی رو به رو شدید، ثابت قدم باشید و خدا را فراوان یاد کنید تا رستگار شوید.

سیره و سخن رهبران معصوم نیز چنین بوده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:
هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله، رزمندگان را به جبهه اعزام می‌کرد، فرمانده آنان را برمی‌گزید و کنار خود می‌نشاند. سپس رو به افراد کرده، می‌فرمود: «با نام خدا، در راه خدا و بر آیین پیامبر خدا حرکت کنید، پیمان شکنی نکنید، خیانت نکنید، کشتگان را مثله نکنید، درختان را جز در مواقع اضطرار قطع نکنید و کهنسالان و کودکان و زنان را نکشید.» (مجلسی، ۱۳۸۹: ۲۵).

امیر مؤمنان- صلوات الله علیه- نیز در جنگ جمل به نیروهای تحت امرش چنین توصیه می‌کند:

«لَا تَقْتُلُوا الْأَسْرَاءَ وَلَا تَجْهَرُوا عَلَى جَرِيحٍ وَلَا تَتَّبِعُوا مَوْلِيًّا وَمَنْ أَلْقَى سِلَاحَهُ فَهُوَ آمِنٌ وَمَنْ أَعْلَقَ بَابَهُ فَهُوَ آمِنٌ» (مجلسی، ۱۳۸۹: ۲۵)

اسیران را نکشید، به مجروحان تیر خلاص نزنید و فراری را تعقیب نکنید. هر کس سلاحش را بر زمین می‌گذارد. و آن که در خانه‌اش را می‌بندد، در امان است.

اسلام برای تثبیت این ویژگی‌های نیکو، آن‌ها را در قالب قوانین لازم الاجرا ارائه کرده و بسیاری را جزو قوانین و حقوق جنگی قرار داده و پیروان خویش را به رعایت آن‌ها ملزم کرده است.

بایدهای اخلاق نظامی در اسلام

(۱) شجاعت:

تأثیرگذاری شجاعت در زندگی فردی به ویژه اجتماعی ملت‌ها تا آن اندازه است که حتی می‌توان گفت در کنار زبان و نژاد و مذهب، زندگی شجاعان است که هویت فرهنگی ملتی را شکل می‌بخشد و به آن جایگاه استقلالی می‌بخشد. شجاعت و دلیری لازمه هویت افراد نظامی است و باید گفت: افراد ترسو و بزدل نه تنها نمی‌توانند یک نظامی شایسته باشند بلکه سبب ایستایی و رکود سازمان نظامی می‌شوند و آن را از رسیدن به اهداف خود باز می‌دارند و چنین کسانی همان به که هرگز به عضویت این گونه سازمان‌ها درنیایند. قرآن مجید نیز وقتی از یک نظامی لایق و قهرمان - به نام طالوت - یاد می‌کند بر دو ویژگی کلیدی او انگشت می‌گذارد و می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ..» (بقره، آیه ۲۴۷).

خداوند او را بر شما برگزیده و او را در دانش و (قدرت) جسم وسعت بخشیده است.

(۲) توکل:

ر بسیاری از آیات قرآن مجید و روایات اسلامی و سرگذشت انبیاء و اولیاء و صالحان و در کتب علمای اخلاق و ارباب سیر و سلوک روی مساله توکل به عنوان یک فضیلت مهم اخلاقی که بدون آن نمی‌توان به مقام قرب الهی رسید، یاد شده است. منظور از توکل سپردن کارها به خدا، و اعتماد بر لطف اوست، میدان رویارویی با دشمن از سخت‌ترین صحنه‌های زندگی آدمی است که در مرز مرگ و زندگی و ذلت و شرافت قرار دارد و کمترین سهل‌انگاری و تزلزل، سرنوشت او را دگرگون می‌سازد همین‌طور از کمین گاه‌های خطرناک شیطان به شمار می‌رود که هر لحظه امکان گرفتار شدن در دام‌های مرئی و نامرئی او وجود دارد. بهترین چاره و اهرم خنثی‌گر همه این خطرات، اتکال به نیروی

لا يزال الهی و دل بستن به لطف و عنایت اوست. قرآن مجید، آیات متعددی را به توکل بر خدا در صحنه‌های مختلف زندگی اختصاص داده در مورد جنگ نیز می‌فرماید:

«فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران آیه ۱۵۹)

وقتی تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن که خدا توکل کنندگان را دوست دارد.

۳) رعایت نظم:

نظم و انضبات برای نیروهای انتظامی همچون پایه و اساس است. نیروهایی که وظیفه ایجاد نظم و امنیت را بر عهده دارند بیش از هر کس باید نماد و نمود این گزاره باشند. تمامی نمونه‌های تاریخی حتی در جنگ‌های نامنظم و در میان گروه‌های چریکی نشان از وجود نوعی قاعده و نظم در کنش‌های آنهاست.

نکته‌ای که در صدر اسلام هم بدان توجه می‌شد که در اینجا به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱- روز حرکت سپاه اسلام فرا رسید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن روز از سپاه خویش در لشکرگاه مدینه سان دید. منظره با شکوه رژه گروهی با ایمان، که سختی مرگ در راه هدف را بر سایه نشینی و استراحت ترجیح داده و پر شور به استقبال مرگ می‌رفتند، بسیار جالب بود و در روان تماشاگران اثری ژرف می‌گذاشت.

۲- در نبردگاه احد، رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از درگیری با دشمن، شخصاً مشغول منظم کردن صف‌های رزمندگان اسلام شد.

۳- در جنگ احد، پیامبر صلی الله علیه و آله به تیراندازان سفارش کرد: «شما مواظب پشت سرما باشید؛ زیرا می‌ترسم که از پشت سر حمله کنند، بنابراین، شما در جای خود استوار بمانید و تکان نخورید. اگر دیدید که ما آنها را شکست دادیم و حتی وارد لشکرگاهشان شدیم؛ باز هم از جای خود حرکت نکنید. (فروغ ابدیت، ۱۳۹۰: ۷۷۷).

حضرت علی علیه السلام نیز به سپاهیان خود در صفین چنین سفارش کرد:

«فَسَوْوَا صُفُوْفَكُمُ كَالْبَنِيَانِ الْمَرْصُوصِ وَ قَدَّمُوا الدَّارِعَ وَ آخَرُوا الْحَاسِرَ» (نصرین مزاحم، ۱۳۷۶: ۲۳۲).

صف‌هایتان را چون دیواری سربی منظم کنید، زره پوشان را جلو و سپرداران را پشت سر آنان قرار دهید.

امام حسین علیه السلام نیز در ماجرای کربلا، نیروی ۷۲ نفری خود را با نظم و آرایش خاصی وارد کارزار کرد و به طور دقیق و منظم، فنون نظامی و اصول جنگی را اجرا نمود. (شیخ مفید، ۱۳۷۰: ۲۳۳).

۴) رعایت سلسله مراتب

یکی دیگر از از لوازم شکل‌گیری نیروی نظامی مقتد و متشکل رعایت سلسله مراتب است؛ یعنی هر فرد نظامی، مطیع مقام بالاتر باشد.

امام خمینی قدس سره درباره ضرورت رعایت سلسله مراتب می‌فرماید: باید سلسله مراتبی باشد تا کار روی نظم باشد و این سلسله مراتب و اطاعت باید روی ضوابط اسلامی باشد. (در جستجوی راه از کلام امام، ج ۱۸: ۱۱۲).

همچنین می‌فرماید: من از درجه داران و افسران و سربازان تقاضا دارم که نظام و سلسله مراتب را حفظ بکنند. اگر سلسله مراتب حفظ نشود، ارتش رو به ضعف می‌رود و اگر خدای نکرده ارتش ما رو به ضعف برود کشور ضعیف خواهد شد. (صحیفه نور، ۱۳۷۹: ۱۱۵).

اهمیت رعایت این اصل، در نیروهای نظامی، قابل انکار نیست. نیروهای نظامی، وظیفه دفاع از کشور و جنگ با دشمنان را بر عهده دارد و اگر هر کسی بخواهد خودسرانه دست به اقدام بزند، هیچ کاری از پیش نمی‌رود و باعث هرج و مرج شده، جز شکست و خواری ثمری ندارد.

حضرت امام (ره) اطاعت از فرماندهی را واجب شرعی، و نافرمانی و تخلف را حرام می‌شمرد؛ چنان که ایشان در دیدار با دانشجویان دانشکده افسری می‌فرماید:

ارتش اگر نظم نداشته باشد، ارتش نیست و شیاطینی که ممکن است نفوذ کرده باشند، هم در ارتش ... هم در سایر قوای انتظامی و غیر انتظامیه، آن‌ها به یک صورتی دامن می‌زنند به اینکه نظم را از اتش و ... سایر قوای انتظامیه بگیرند و در باطن خود ارتش هرج و مرج ایجاد کنند اطاعت از یک فرماندهی، که فرمانده اسلام است، واجب است. به حسب حکم اسلام، تخلف حرام است ... همه قوای انتظامیه نظم را در باطن خودشان حفظ کنند تا یک ارتش صحیح باشد. یک سپاه پاسداران صحیح باشد. (صحیفه نور، ۱۳۷۹: ۴۰).

۵) ایثار و شهادت طلبی

از ویژگی‌های برجسته رزمنده مؤمن «ایثار و شهادت‌طلبی» است. واژه شهادت، در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام کاربردی وسیع و جایگاهی ویژه دارد. شهادت‌طلبی بر تفکر مکتبی و بینش کامل و اعمال شایسته استوار است. شهادت طلب بودن، هرگز به معنای نفی تفکر در اصول و فنون جنگ و پیکار و نادیده گرفتن مطالعه بنیادین در راه‌های کسب فتح و پیروزی نیست؛ یعنی رزمنده مؤمن نباید تنها به شهادت بیندیشد، بلکه باید در فتح و ظفر نیز تدبّر کند و به ضرورت‌های نظامی و تسلیحاتی اهمیت فراوان دهد. همچنین برای حفظ جان خود بکوشد، و به فعالیت و مقاومت روانی ادامه دهد و با عشق و علاقه گام بردارد تا سرانجام خداوند «أَحَدَى الْحُسَيْنِ» را نصیب وی گرداند. حضرت علی علیه السلام هنگام تشویق سپاه خود برای حمله به دشمن فرمود:

«طَبِّبُوا عَنْ أَنْفُسِكُمْ نَفْسًا وَ أَمْشُوا إِلَى الْمَوْتِ مَشْيًا سُجْحًا» (نهج البلاغه، خطبه ۶۵: ۱۵۸)

خود را خرم و سرخوش دارید و با آسانی و سبک جانی به سوی مرگ گام بردارید.

عقیده مذهبی، انجام کارهای شایسته و پرهیز از اعمال ناشایست همراه با بینش و معرفت فراگیر، انسان را به خدا نزدیک تر می کند و پشتوانه‌ای معنوی و نیرومند برای شهادت طلبی او می گردد و بدون دستیابی به اصول سه گانه یاد شده نمی توان به مقام رفیع شهادت و مرگ سرخ دست یافت.

حضرت علی علیه السلام در پایان عهدنامه مالک اشتر می فرماید:

«... وَ أَنْ يَخْتِمَ لِي وَ لَكَ بِالسَّعَادَةِ وَ الشَّهَادَةِ وَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۱۰۳۴).

و از خدا می خواهم که کار من و تو را به سعادت پایان دهد و شهادت را نصیبمان گرداند. امام سجاد علیه السلام در نیایش خود می گوید:

«... حَمْدًا نَسْعُدُ بِهِ فِي السَّعَادَةِ مِنْ أَوْلِيَانِهِ وَ نَصِيرًا بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ» (صحیفه سجادیه، دعای ۱).

خداوند را می ستاییم ستایشی که به وسیله آن به همراه نیک بختان روی نیک بختی بینیم و در شمار دوستان او در آییم و به شهداء که با شمشیر دشمنانش به شهادت رسیده اند بپیوندیم و در جمع آنان در آییم.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«وَ اللَّهُ لَأَنَا اشْوَقُ إِلَى لِقَائِهِمْ مِنْهُمْ إِلَى دِيَارِهِمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۴: ۳۸۳).

به خدا سوگند! که اشتیاق من به [صحنه نبرد و] رویارویی با دشمن بیش از شوقی است که آنان [دشمنان] به سرزمین خود دارند.

و چون ثمره شهادت، پیوستن به لقاء الله است، مجاهد را به تشنه کامی تشبیه کرده که در جست و جوی آب گوارا است:

«الرَّائِحُ إِلَى اللَّهِ كَالظَّمَانِ يَرِدُ الْمَاءَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۴: ۳۸۳).

آن که [باسرعت و نشاط و جهاد خود] به سوی خدا برود، همچون تشنه کامی است که به سوی آب می‌شتابد.

۶) تعاون و همکاری

آیات و روایات فراوانی وجود دارد که به فضیلت و اهمیت همدلی و تعاون اشاره کرده و فضیلت آن را از بسیاری عبادات بیشتر شمرده است. اگر تعاون و همکاری نبود هیچ یک از دستاوردهای بشری محقق نمی‌شد و انسان در وضعیت ابتدایی باقی مانده بود. این تعاون در نیروی نظامی یکی از نیازهای اساسی محسوب می‌شود. ضرورت تعاون و همکاری - در همه جا و همیشه - امری بدیهی است و نیاز به استدلال و برهان ندارد و نه تنها از اصول اخلاقی اجتماعی، که از اصول زندگی اجتماعی است و هیچ کس در هیچ شرایطی از آن بی‌نیاز نیست. امیرمؤمنان علیه السلام - می‌فرماید:

روزی در محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین دعا کردم: «خدایا مرا به هیچ یک از بندگان محتاج نکن.» پیامبر فرمود: «ای علی! چنین نگو چرا که نمی‌شود کسی به دیگران محتاج نباشد.» پرسیدم: «پس چگونه دعا کنم؟» فرمود: «بگو: اللَّهُمَّ لَا تُحَوِّجْنِي إِلَى شِرَارِ خَلْقِكَ» (مجلسی، ۱۳۸۹: ۳۲۵).

خدایا! مرا به بندگان بد خویش، محتاج نکن.

بنابراین، بر همه افراد جامعه، فرض است که به این نیاز اجتماعی پاسخ مثبت دهند؛ همان گونه که خود به تعاون دیگران نیازمندند. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«كَمَا تُعِينُ تُعَانُ» (خوانساری و محمد بن حسین، ۱۳۸۰: ۶۲۳).

چنان که دیگران را یاری می‌کنی، تو را یاری کنند.

همچنین می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يُنَجِدْ لَمْ يُنَجِدْ» (همان: ۲۵۳)

هر کس دیگران را یاری نکند، کس یاری‌اش نکند.

۷) پرهیز از سستی

از خصلت‌های ناپسندی که ممکن است گریبانگیر نیروهای نظامی شود، دلسردی و کاهلی در کار است. این حالت برای افراد یک بیماری و برای تشکیلات یک آفت محسوب می‌شود که باید مورد پیشگیری و درمان قرار گیرد. از طرفی بنیان هستی بر کار و فعالیت بنا شده و دست قدرتمند آفرینش هر چیزی و هر کسی را بهر کاری ساخته است. یک عدد اتم در جهان هستی و یک سلول در بدن حیوانات، بیهوده و بیکار آفریده نشده، بلکه همه ذرات عالم و کهکشان‌های عظیم، روی حساب و با طرح و اندازه معین لباس وجود پوشیده‌اند:

أَنَا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ. (قمر، آیه ۴۹).

ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم.

با تدبیر در اندام و جوارح خود به این نتیجه خواهیم رسید که اگر عضوی - گرچه کوچک باشد - کار نکند، بدن دچار اختلال خواهد شد، زیرا راز سلامت و تحرک بدن در گرو کار دقیق و منظم کلیه اعضای آن است.

یک نیروی نظامی هم چنین حالتی دارد؛ اگر اعضایش وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهند، به حیات و حرکت خویش ادامه می‌دهد و گرنه دچار اختلال می‌گردد.

واژه‌هایی چون «کَسَل» و «تَوَانِي» در روایات اسلامی تقریباً مرادف با کم‌کاری، تنبلی و سستی در انجام وظیفه به کار رفته است و امامان معصوم (ع) از آن به شدت نکوهش کرده‌اند.

حضرت صادق (ع) فرمود: عَدُوُّ الْعَمَلِ الْكَسَلُ. (کلینی، ۱۳۸۸: ۸۵).

سستی و تنبلی، دشمن کار است.

امام باقر (ع) ضمن ابراز بیزاری از این خصلت ناپسند، آن را با سستی در امور آخرت مرتبط دانسته است:

أَنِّي لَأَبْغِضُ الرَّجُلَ يَكُونُ كَسَلَانًا عَنِ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ مَنْ كَسَلَ عَنِ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنِ أَمْرِ آخِرَتِهِ
اَكْسَلٌ. (کلینی، ۱۳۸۸: ۸۵).

من دوست ندارم که مرد در کار دنیا سست و تنبل باشد؛ کسی که در کار دنیا بی حال باشد، در کار آخرتش بی حال تر است.

نیروهای نظامی بعنوان حافظان امنیت کشور و تشکیلات عمل می کنند و اگر خالصانه و صادقانه انجام وظیفه نمایند، در طول خدمت، مشغول عبادت خدا و عنایت او هستند و به پاداش بزرگی نایل خواهند شد. آنان بطور مداوم در جبهه دفاع از کیان اسلام و جمهوری اسلامی با دشمنان گوناگونی درگیرند و بسان مجاهدان سترگ در راه خدا می جنگند و بزرگترین خدمت را به اسلام و مسلمین می کنند. از این رو، هرگز نباید از کار خویش دلسرد شوند و یا خدای ناخواسته به کم کاری و کاهلی آلوده گردند، چرا که کار برای خدا خستگی ندارد و به تعبیر امام صادق (ع):

«إِنْ كَانَ الثَّوَابُ مِنَ اللَّهِ فَالْكَسَلُ لِمَاذَا». (مجلسی، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

اگر ثواب از سوی خداست (که هست) دیگر خستگی و بی حالی برای چه؟ بلکه بر عکس، آنکه برای خدا کار می کند و او را ناظر و حاضر می یابد، همواره با شوق و نشاط بیشتری به کار ادامه می دهد و این پیام قرآن را پیش روی دارد که فرمود:

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا. (عنکبوت، آیه ۶۹).

آنان که در راه ما جهاد کنند، راه های خویش را به آنان بنمایانیم.

۸) رازداری و حفظ اسرار

رازداری و حفظ اسرار حتی در بقای یک تشکیلات و از آن مهم تر بقای نظام مؤثر است؛ این بخش مورد ابتلای نیروهای نظامی و همه مردم است و بایستی در این زمینه هوشیاری

و دقت کافی به خرج داده، از افشای مطالب سرّی ساختارهای نظامی و تشکیلاتی نظام اسلامی و با خبر ساختن دشمنان از آن به شدّت اجتناب نمود.

حفظ این نوع رازها به مراتب مهم‌تر از سایر اسرار است. از این رو، پیامدهای افشای آن نیز ناگوارتر و زیان‌بارتر از سایر رازهاست. رازداری نظامی و تشکیلاتی از دیدگاه اسلام یکی از اصول مهم اخلاق نظامی است که می‌توان به وسیله آن امکان بسیاری از زیانها از ناحیه دشمنان نظام اسلامی را سلب کرد و همواره ابتکار عمل را در دست داشت، ولی بی‌توجهی به آن، چه بسا جبران‌ناپذیر باشد. امام علی (ع) می‌فرماید:

يُسْتَدَلُّ عَلَىٰ ادْبَارِ الدُّوَلِ بِارْبَعٍ، تَضْيِيعِ الْاَصُوْلِ... (خوانساری و محمد بن حسین، ۱۳۸۰: ۴۵۰).

چهار چیز نشانه افول دولتهاست، از جمله زیرپا نهادن اصول (و ارزش‌ها) همچنین فاش کردن این‌گونه رازها در زمره بزرگ‌ترین خیانت‌ها به جامعه و نظام اسلامی است.

علی (ع) می‌فرماید:

اعْظَمُ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأَمَّةِ. (خوانساری و محمد بن حسین، ۱۳۸۰: ۳۸۸).

خیانت به امت از بزرگ‌ترین خیانت‌هاست.

رهبابی به اهداف نظامی و پیشرفت و پیروزی در جنگ، بستگی مستقیم به حفاظت اطلاعات خودی و دستیابی به اطلاعات دشمن دارد، به همین دلیل حفظ اسناد و اخبار طبقه‌بندی شده از ضروری‌ترین وظایف یک نظامی، در هر رده است، چنانکه فاش ساختن آن‌ها به منزله خودکشی است و خیانتی نابخشودنی محسوب می‌شود. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید؛

«الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَالْحَزْمُ بِاجَالَةِ الرَّأْيِ وَالرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۵:

پیروزی بسته به دوران‌دیش و دوران‌دیشی بسته به کارانداختن اندیشه و اندیشه نیز به نگهداری رازهاست.

در جهان امروز، که جنگ اخبار و اطلاعات، فراگیر و دائمی شده، حفاظت اسرار تشکیلات نظامی از اهمیت مضاعف برخوردار است و یقیناً تشکیلاتی آسیب‌ناپذیرتر است که بر این مهم واقف باشد و با سخت‌گیری و جدیت تمام از اسرار خویش حفاظت کند و چنین کاری وظیفه همه افراد مجموعه است.

۹) شدت با دشمن و رأفت با دوست

از خصلت‌های زیبای مجاهدان راه خدا، مهربانی، غمخواری، یکدلی و رأفت به یکدیگر و شدت و قاطعیت در برابر دشمن است، این خصلت ارزشمند در واقع، مظهر اسمای جمال و جلال الهی است و از ایمان سرشار آنان سرچشمه می‌گیرد باز از قرآن می‌شنویم:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» (فتح، آیه ۲۹)

محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کافران، سخت و خشن و در میان خود مهربانند.

این ویژگی ارزنده در طول هشت سال دفاع مقدس و در دوران پانزده ساله مبارزه، به شکل زیبا و آشکارا نیروهای مؤمن و انقلابی را منسجم و یکپارچه کرد و با همدلی و مهربانی، مشکلات طاقت‌فرسای انقلاب و جنگ را حل کردند.

نبایدهای اخلاق نظامی در اسلام

۱) غرور

در میان صفات ناپسند اخلاقی شاید کمتر صفتی به اندازه غرور و فریفتگی زیان‌ور و مرگبار باشد. پیامدهای غرور تمام زندگی انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و دنیا و

خرت را تباه می‌کند. غرور، سرچشمه بیگانگی از خدا و خویشتن، اشتباه در قضاوت، گم کردن راه حق، پیوستن به خط شیطان و لودگی به انواع گناهان است. در عموم انسان‌ها ممکن است عوامل چندی سبب غرور گردد از جمله، ثروت، زیبایی، آرزوهای طولانی، فامیل و فرزند، عبادت، حسب و نسب، علم و آگاهی و ... در نیروهای نظامی عوامل دیگری چون؛ درجه، مقام، سلاح، احترام، تشریفات، پیروزی در نبرد، قدرتمندی تشکیلات و مانند آن نیز دل را به بیماری غرور مبتلا می‌سازد. این بیماری مفسد ناهنجاری همچون هلاکت و نیستی را برای فرد و سازمان به بار می‌آورد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ اغْتَرَّ بِنَفْسِهِ اسْلَفَتْهُ إِلَى الْمَعَاظِبِ» (خوانساری و محمد بن حسین، ۱۳۸۰: ۳۷۳).

هر کس، به خویشتن مغرور شود، نفسش او را به مهلکه‌ها می‌کشاند.

همین مفسده بهترین انگیزه برای مراقبت و پیشگیری از دل است که به این رذیله خطرناک گرفتار نگردد.

۲) تکبر و فخر فروشی

فخر فروشی، «خدا فراموشی» را به دنبال دارد، فردی که با مال دنیا یا فرزندان و یا قوم و قبیله و ... به خود می‌بالد و به آن‌ها بها می‌دهد خداوند و نعمت‌های او را فراموش می‌کند. آفت کشنده‌ای که افراد و سازمان نظامی را تهدید می‌کند، این آفت، بویژه پس از پیروزی‌ها ممکن است در دل نظامی نفوذ کند و خویشتن را به دلیل کار بزرگی که انجام داده، یا موقعیت برتر تشکیلات، از دیگران بهتر و بالاتر بداند. چنین حالتی بدون تردید برای فرد و سازمان زیان‌آور است و حتماً باید پیشگیری و درمان شود.

در سال هشتم هجری، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، پس از فتح مکه با دوازده هزار سپاهی به جنگ «هوازن» رفت، پیروزی‌های پس در پس، بویژه فتح مکه و فراوانی

نیروها سبب نخوت و بزرگ بینی رزمندگان شد و همین آفت سبب شد آنان در مرحله نخست جنگ دچار پراکندگی و فرار گردند. قرآن مجید از آن حادثه تلخ چنین یاد می‌کند:

«لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبْتَكُمْ كَثَرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَ لِيْتُمْ مُدْبِرِينَ» (توبه، آیه ۲۵).

خداوند شما را در جاهای بسیار از جمله جنگ حنین یاری کرد؛ آنگاه که فراوانی تعدادتان، شما را به شگفت آورد ولی آن لشکر زیاد به کارتان نیامد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شد و پا به فرار گذاشتید!

۳) تَمَرْدٌ

همان طور که یاد شد رعایت سلسله مراتب، شیرازه یک سازمان نظامی است و تَمَرْدٌ، حربه خطرناکی است که هر آن امکان دارد این شیرازه را از هم بگسلد، در آن صورت، «نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان» تَمَرْدٌ به هر عنوانی که صورت پذیرد، آب به آسیاب دشمن می‌ریزد و موقعیت خودی را به سود بیگانه تغییر می‌دهد. حسد، کینه‌توزی، غرور، بیگانه‌پرستی، کج فهمی، دنیاگرایی، بزدلی و ... انگیزه‌های شومی است که سبب تَمَرْدٌ و نافرمانی از دستورهای فرماندهان می‌شود و انگیزه و نتیجه هر دو زشت و زیانبار است، مجموع انگیزه‌های یادشده تحت عنوان «دنیازدگی» قابل جمع است و قرآن مجید نیز بر آن تصریح کرده، می‌فرماید:

«مَالِكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (توبه، آیه ۳۸)

شما را چه شده که وقتی به شما گفته می‌شود: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» بر زمین سنگینی می‌کنید؟ آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟ با اینکه متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست!

باید دانست که تمرّد از بیماری‌های مسری نیز هست و نافرمانی فرد یا گروه به افراد و گروه‌های دیگر تشکیلات نیز سرایت می‌کند و آنان را نیز آلوده می‌سازد.

۴) نزاع و تفرقه

وحدت و همدلی، تقویت و بالندگی تشکیلات را در پی دارد ولی درگیری و تفرقه برای هر اجتماعی بویژه سازمان نظامی، شکننده است. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

« وَ اطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ... » (انفال، آیه ۹۶)

فرمان خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و نزاع و کشمکش نکنید که سست شوید و شوکت شما از بین برود.

این آیه شریف تصریح می‌کند که نزاع و تفرقه و نتیجه آن، بر اثر نافرمانی از خدا و تمرّد از دستورات رهبری پدید می‌آید و سبب بر باد رفتن قدرت و شوکت جامعه اسلامی می‌گردد.

تاریخ نیز گواهی می‌دهد که تفرقه و تشتت در هر تشکیلاتی رخنه کرده، فرجامش را تباه ساخته است و دشمن را بر او چیره کرده است. به عنوان نمونه: معاویه پس از آن که در بین نیروهای امام علی علیه السلام تفرقه و اختلاف انداخت بی درنگ دست به تهاجم و غارت زد و سربازان خود را به سوی مناطق تحت نفوذ امام گسیل داشت و شهرهای مرزی را به آشوب کشید. همچنین پس از شهادت آن امام همام، با اعزام نیروهای جاسوس و مزدور خود، شیعیان را دچار پراکندگی و تفرقه ساخت و در نهایت مقام خلافت را غصب و رهبر واقعی مردم - یعنی امام حسن علیه السلام را - خانه‌نشین کرد و بر سر جامعه اسلامی آن آمد که نباید می‌آمد.

نتیجه گیری

در این مقاله با هدف یافتن جایگاه اخلاق نظامی در اسلام به کنکاش پرداخته شد و شاخصه‌های اخلاق نظامی در اسلام تبیین و مورد تاکید قرار گرفته است. التزام به احکام اسلامی و برخورداری از اخلاق اسلامی بویژه اخلاق صنفی - که مربوط به حیطة کاری افراد می‌شود - برای نیروهای نظامی لازم و تنها راه‌هایی از محرمات است. از این رو، نیروهای نظامی بایستی با شناخت مشکلات شرعی و اخلاقی و با تمسک به قرآن و رهنمودهای معصومین (ع)، احکام حکومتی و فرامین مقام معظم رهبری، شیوه‌های صحیح برخورد با مسائل نظامی را فرا گرفته و از بروز آسیب‌های احتمالی جلوگیری کنند. همچنین مسأله اخلاق و تهذیب نفس، در اسلام، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، بطوری که از اهداف نزول قرآن کریم تربیت اخلاقی، تهذیب انسان و رشد و هدایت جامعه است و خصلت‌های اخلاقی را ملاک ارزش انسان می‌داند. با توجه به مکتبی بودن نیروهای نظامی، که اساس آن بر ایمان و تقوا نهاده شده، نتیجه اصلی این مقاله این است که تخلق به اخلاق نیکو، از ضروریات و لوازم این تشکیلات است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. (۱۳۷۷)؛ الخصال، ترجمه: کمره‌ای، محمد باقر، تهران، کتابچی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۷۵)؛ لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۷۵)؛ کیمیای سعادت، تهران، نشر نقطه.
- ابی فراس، مسعود بن عیسی. (۱۴۱۰)؛ تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، قم، مکتبه فقیه.
- بدوی، عبدالرحمن. (۱۹۷۵)؛ الاخلاق النظریه، کویت، وکله المطبوعات.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۹۰)؛ نهج الفصاحه، قم، انصاریان.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰)؛ غررالحکم و درر الکلم، محقق: سید مهدی رجایی، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸)؛ مبادی اخلاق در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.
- جعفری تبریزی، محمد تقی. (۱۳۷۶)؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹)؛ وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۳)؛ خدا در فلسفه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خمینی، روح الله. (۱۳۶۹)؛ صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوانساری، آقاجمال و محمد بن حسین. (۱۳۸۰)؛ شرح غرر الحکم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۸۰)؛ فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب.

- علی بن ابی طالب. (۱۳۹۰)؛ نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب.

- لنصر بن مزاحم المنقری. (۱۴۱۸)؛ وقعه صفین ؛ تحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتبه آیه العظمی المرعشی النجفی.

- مفید، محمد بن محمد. (۱۳۸۴)؛ الإرشاد المجلد ۱، قم، محبین.